

استرینگر روش تحقیق عملی را فرایندی معرفی می‌کند ساده و در عین حال نامنظم و نامرتب و مستمر شامل مشاهده، تفکر و عمل در میان ترکیبی از مشارکت‌کنندگان که در آن پیوسته مورد عمل قرار می‌گیرند. او می‌نویسد در این روش «تحقیق یک فرایند اجتماعی است که در آن مردم حیات خود را از طریق فرایندهای پیوسته می‌اندازند و مذاکره، مجدداً تنظیم و از نو می‌سازند... و در این روش همه این فعالیت‌ها، توصیف‌ها، تحلیل‌ها و توضیحات متغدد، در فرایند پیچیده تحقیق در هم می‌آمیزد» (ص. ۵۸). هدف این روش در کتاب مذکور قادر ساختن افراد به تجزیه تجلیل و حل مشکلاتشان بیان شده است: «فرایم آوردن امکان تحقیق و بررسی اجتنابی و حل مشکلاتی که دست اندرکاران و مردم تجربه کرده‌اند، برای سنجش اثر بخشی روش‌های کاری و اتخاذ اقدامات روشمند برای حل مشکلات» (ص. ۵۷)

پژوهش مذکور، پژوهشی است مبتنی بر روش‌های کیفی، عمیق و مشارکتی. (هم در سطح جمع‌آوری اطلاعات و هم در سطح حل مشکلات) در راستای اعمال تغییر در جهت بهبود وضعیت و برطرف کردن مشکل، شامل اصول توصیف، تفسیر، و حل مشکل.

اصل اساسی که نویسنده در رابطه با این روش بر آن تأکید می‌کند، مشارکت است: دزگیر شدن افراد از خلال همه سطوح اجتماع در امور مختلف و فرایند این پژوهش شامل: اجراء، حمایت و تحقق اهداف؛ چرا که معتقد است: «مشارکت کلید احساس تعلق افراد است و آن‌ها را به صرف انرژی و زمان در کمک به تکوین نوع و کیفیت زندگی اجتماعی خود تشویق می‌کند» (صص. ۵۱-۵۲). به علاوه منجر به افزایش سرمایه‌گذاری شخصی شده، درک مردم را در زمینه‌ها و فرایندهای اجتماعی که با

*راهنمای مجریان تغییر و تحول*، از نست تی، استرینگر، ترجمه سید محمد اعرابی، داود ایزدی، ۱۳۷۸، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی ۱۹۸ ص.

*Action Research (A Hand Book for Practitioners)* Stringer, Ernest T. Sage Publication, 1996.

سپیده پارسا پزوه\*

این کتاب که اولین کتاب استرینگر<sup>۱</sup> در این زمینه است، به معرفی پژوهش عملی پرداخته و آن را به گونه‌ای کاربردی به عنوان راهنمای عملی همه کسانی که در صدد هستند تا با رویکردی مشارکتی، عاملان تغییراتی به نفع مردم باشند، معرفی می‌کند. در این کتاب اصول پژوهش عملی جامعه‌گرا به زبانی ساده تشریح شده و در واقع به گونه‌ای گام به گام آموزش داده می‌شود. نویسنده در این کتاب فرایند انجام این پژوهش را همراه با مثال‌های فراوانی برگرفته از تجارب شخصی‌اش<sup>۲</sup> (داخل قاب‌هایی درون متن) مطرح می‌کند.

\* کارشناس ارشد انسان‌شناسی

<sup>۱</sup> او بعد از این، دو کتاب دیگر نیز منتشر نموده است:

*Community-Based Ethnography: Breaking Traditional Boundaries of Research, Teaching and Learning* (1997) Published in: Laurence Erlbaum Associates.

مشمول بر مجموعه مقالاتی که او ویراستار ارشد آن بوده است، و دومی با عنوان:

*Action Research*, 1999, London Sage Publication.

که در آن به طور مشروح و به تفصیل به توضیح پژوهش عملی پرداخته است.

<sup>۲</sup> community-based

این تجربه‌ها بنا بر اظهارات وی مربوط به سال‌ها پیش و هنگامی است که او به عنوان معلم جوان، به ناچار به یکی از مناطق روستایی و دور افتاده در غرب استرالیا منتقل شده بوده و در تعامل با مردم و فرهنگشان، برای موثرتر ایفا کردن نقش خود، منطبق بر واقعیت‌های فرهنگی آنان، آن‌را تجربه کرده است (ص. ۱۶).

آن، در مستند و جایگاه یک فرد متخصص نمی‌نشیند، بلکه به مثابه فردی مشکل‌گشا، تسهیل‌گر، تسریع‌کننده و حامی عمل می‌کند که مانند همه روش‌های پژوهش کیفی باید بی‌طرفی خود را حفظ کرده و به‌خصوص در موارد مداخله‌ای به هیچ وجه از ارزش‌ها، ذهنیت‌ها و تخصص خود پیروی نکند، بلکه چنانچه ذکر شد نقش خود را پیوسته به‌عنوان حامی و تسهیل‌گر برای مردم در این فرآیند ایفا نماید (البته حمایتی گروه‌گرا و نه پدرسالارانه). اگر بخواهیم به‌طور خلاصه و از زبان نویسنده، موضوع این کتاب را معرفی کنیم باید بگوئیم «تحقیق عملی مانند همه تحقیقات، با تعریف "مشکلی" که باید حل شود، آغاز می‌شود. با وجود این، برخلاف روش‌های علمی سنتی تحقیق، هدف آن ایجاد مجموعه‌ای از دانش قابل‌تعمیم به جامعه بزرگتر نیست. بلکه هدف آن ارائه توصیف‌ها و تفسیر گروهی در مورد رویدادهاست تا گروه‌ها، راه‌حل‌هایی قابل‌پذیرش برای مشکلات خود طراحی کنند... این روش بر مجموعه‌ای از روش‌های سازماندهی و رفتار (در حیات اجتماعی و حرفه‌ای) تأکید می‌کند که مدنی، تساوی‌گرا، رهایی‌بخش و تحکیم‌بخش زندگی مردم است... (در این روش) تنها مشاهده و بررسی نحوه انجام امور می‌تواند بسیاری از مسایل را روشن و آشکار سازد و به ما امکان دهد خود را با دقت و وضوح بیشتری ببینیم و روش‌های کاری موثرتر و کارآمدتری را طراحی کنیم و حیات مردمی را که با آن‌ها کار می‌کنیم استحکام بخشیم... دست‌یابی و حفظ فرایندهای جامعه‌گرا که بر مشارکت فعال افراد در امر طراحی و تنظیم و کنترل فعالیت‌ها و رویدادهای مؤثر بر زندگی آن‌ها تأکید می‌ورزند، صعب‌الوصول و دشوار است. اما اگر بتوان به آن‌ها دست یافت، ابتزار قدرتمندی

آن مواجه هستند افزایش داده و احتمال وقوع درگیری و تعارض را در فرآیند این نوع تحقیق (که هدف آن نهایتاً ایجاد تغییر اجتماعی است) به حداقل می‌رساند.

استرینگر اصول سه‌گانه تحقیق عملی را در این کتاب سه اصل: نگاه کنید (توصیف)، فکر کنید (تفسیر) و عمل کنید (حل مشکل) بیان کرده و در فصل‌های چهارم تا هفتم کتاب به‌طور عملیاتی و پیوسته با تکیه بر اصل مشارکت (با تعریف فوق) به توضیح آن‌ها می‌پردازد. او در این روند به تعلیم این‌که چگونه وضعیت موجود در جامعه مورد بررسی را با تکیه بر روش‌های کیفی عمیق، کل‌گرا و مبتنی بر رویکردهای مردم‌شناسانه، شناسایی کنیم و مشکلات موجود را تشخیص بدهیم، سپس آن‌ها را در زمینه فرهنگی مورد بررسی و با توجه به معانی فرهنگی‌شان و با توجه به عوامل ریشه‌داری که زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تفسیر کنیم، و نهایتاً بر آن اساس بتوانیم چهارچوب و مبنایی برای برنامه‌ریزی و اقدامات دقیق و مطمئن برای حل مشکلات مورد نظر، به کمک مردم و از خلال اقدامی جمعی و مشترک، ارائه نماییم، می‌پردازد. لذا او معتقد است که این روش صرفاً ابزاری برای حل مشکلات نیست، بلکه منبعی بنا بر ارزش است برای ساخت و ایجاد حس اجتماعی.

نویسنده برای این روش ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد از جمله اینکه جهت‌گیری آن از نوع مشارکتی پائین به بالا<sup>۴</sup> است و لذا گروه‌های مردم را در اولویت هدف و توجه خود قرار می‌دهد که در آن، همه افراد ذی‌نفع دارای ارزش و اهمیت هستند و خواسته‌ها و عقایدشان ارجح نهاد می‌شود. به‌علاوه اینکه، در این روش پژوهشگر مطابق معانی کلاسیک

<sup>۴</sup>bottom-up

کاربردی است. در این کتاب در واقع به طرز ضمنی و تلویحی نشان داده می‌شود که چطور روش‌ها و دیدگاه‌های انسان‌شناختی معطوف به توسعه بوده و به‌عنوان راهکاری عملی و کاربردی در راه توسعه ایفای نقش می‌کند. چرا که مبتنی بر مردم، جماعت‌ها، فرهنگ‌های محلی و دانش آن‌ها در رابطه با موضوعات پیرامون‌شان و مسایل و مشکلات اطراف خودشان می‌باشد. موضوعی که به نظر می‌رسد «قصد دارد تا به یکی از اصلی‌ترین اجزای فرایندهای پژوهش‌های مربوط به توسعه تبدیل شود» (سیلتو، ۱۹۹۸)

این کتاب روشی را معرفی می‌کند که در آن دانش مردمی در بستر فرهنگی خود، تبدیل به منبعی مطمئن و مؤثر برای حل مشکلات درونی آن و لذا ایجاد تغییرات مؤثری در جهت بهبود آن می‌شود. دانشی که به‌نظر می‌رسد در آینده یکی از اساسی‌ترین منابعی باشد که در خدمت توسعه اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. لذا در این عرصه نقش انسان‌شناسی بیش از پیش اهمیت و محوریت خواهد یافت. «اقبال گسترده مشارکت پایین به بالا» در مقابل نگرش بالا به پایین، فرصت‌های چالش‌برانگیزی را برای مردم‌شناسی فراهم کرده‌است... و هم‌چنان که دنیای در حال توسعه توجه خود را از اقدامات بالا به پایین به مشارکت درونی معطوف می‌کند، انقلابی در وضعیت مردم‌نگاری نیز در حال وقوع است... لذا مردم‌شناسی کاربردی، قصد رسیدن به هر آینده‌ای را که داشته باشد، مجبور است این پژوهش‌های نوین [از پایین به بالا و مبتنی بر دانش محلی] را جدی بگیرد... روشن شدن این نکته که کمک‌رسانی توسعه به شرطی کارآمد است که از دانش محلی بهره بگیرد، مردم

برای تأمین هدف‌های اجتماعی و حرفه‌ای فراهم می‌آورد» (صص. ۱۷۶-۱۷۵).

او در فصل آخر کتاب (این پایان راه نیست) به برخی از انتقادهای و چالش‌های مطرح شده درباره پژوهش عملی پاسخ داده و به نوعی بشیروعت آنرا بیان می‌کند. ونیز در پایان تأملی گذرا دارد بر ارتباط این روش با فلسفه پست‌مدرن.

این کتاب به‌طور ضمنی جایگاه ویژه و کلیدی پژوهش را در بستر توسعه اجتماعی یادآوری می‌کند. رویکردهای موجود در این روش؛ رویکردی کل‌گرا (جدا نکردن موضوع مورد پژوهش از زمینه فرهنگی‌اش، ایجاد ارتباط بین همه اجزاء فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد بررسی در تفسیر داده‌ها، و قرار گرفتن در محدوده یک حوزه فرهنگی اجتماعی واحد) و نیز تأکید بر روش‌های کیفی، عمیق و مشارکتی، مشتمل بر مصاحبه‌های عمیق، مشارکتی و خارج شدن از جایگاه پژوهش‌گر و اتصال به زمینه فرهنگی مورد مطالعه و استغراق در آن، و نیز مبتنی بودن پژوهش بر درک فرهنگی، آن را درحوزه انسان‌شناسی کاربردی جای می‌دهد. «نقش انسان‌شناسی کاربردی چیزی نیست جز این که موقعیتی را که هم اکنون پیش آمده است تحلیل کند، درس‌هایی را برای سیاست‌های آینده فراهم سازد و نیز در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی فعالانه دخالت کند.» (بیتمس، ۱۹۹۰، ص. ۷۵۰).

انسان‌شناسی کاربردی در واقع حوزه‌ای است که «می‌خواهد با کاربرد جنبه‌های نظری و عملی رشته انسان‌شناسی، مسایل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فنی کنونی را حل کند.» (همان، ص. ۷۶۶). موضوع این کتاب در واقع موضوعی است منشاء گرفته از نگاهی جدید به انسان‌شناسی، که مشتمل بر به‌کارگیری روش‌های پژوهش مردم‌شناختی در عرصه‌ای

<sup>5</sup> bottom-up  
<sup>6</sup> top-down

مایلند نقشی موثر در توسعه فرهنگی- اجتماعی داشته باشند قابل معرفی است.

#### منابع

- بیتش، دانیل، و فرد-پسلاگ، ۱۹۹۰، انسان‌شناسی- فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۷۵، تهران، علمی.
- سیلتو، پل، ۱۹۹۸، "توسعه دانش بومنی؛ مردم‌شناسی کاربرد نوین"، ترجمه محمد فاضلی ۱۳۷۹ در: نامه پژوهش، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۱۲۷-۱۵۷.

شناسی را وادار می‌کند تا به شکل کامل‌تری درگیر پیشبرد جریان فهم کردن دانش بومی شود (همان). یا افزایش تقاضا برای بینش‌ها و مهارت‌های مردم‌شناختی در عرصه توسعه، زمان آن فرا رسیده است که مردم‌شناسی جایگاه خود را تثبیت کند و بر اساس قابلیت‌های مندرج در سنت کاربردی خود، امکان‌پذیر شدن روابط جدید را قوت بخشد. (هیل، ۱۹۹۶، در همان).

پیام بنیادین استرینگر در این کتاب در واقع پیرامون اهمیت و قدرت تعیین‌کننده پژوهش در جهان کنونی است و اینکه هدف ما به‌عنوان کارگزاران توسعه اجتماعی این است که بینیم و باور کنیم که مردم محلی قدرت فزاینده‌ای دارند. در این راستا پژوهش عملی ابزار مناسبی است برای این فرایند. این کتاب راه مستقیمی را نشان می‌دهد تا بیاموزیم چرا و چگونه پژوهشی جامعه‌گرا- با خصوصیات مذکور- انجام دهیم.

با همه تفاسیر فوق باید اضافه کنیم که مضمون و ساختار بسیار کاربردی این کتاب ممکن است برای کسانی که با این روش آشنایی ندارند، اندکی غریب به نظر برسد، که البته دلیل آن ضعف ادبیات مربوط به انسان‌شناسی کاربردی- به‌طور کلی علوم اجتماعی کاربردی- در کشورمان و به زبان فارسی می‌باشد. با این وجود، این کتاب به‌عنوان یکی از معدود منابع فارسی منتشر شده در این رابطه، و نیز به لحاظ جایگاه معتبر نویسنده آن در این حوزه، به مثابه کتابی ارزشمند برای معرفی پژوهش عملی و نیز استفاده کاربردی دانشجویان در همه سطوح و همچنین همه کسانی که در مقام رهبران و کارگزاران تغییر

<sup>7</sup>Haile, J.